

دست‌نوشته‌های آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی در اعیان الشیعه

﴿امرالله شجاعی﴾

مقدمه

یکی از منابع و مصادر غنی تراجم‌نگاری شیعه در قرن چهاردهم هجری، کتاب گران سنگ *اعیان الشیعه* تألیف علامه آیت‌الله سید محسن امینی عاملی (۱۲۸۴-۱۳۷۱ق) است. این کتاب مشحون از فوائد تاریخی، رجالی، ادبی و جغرافیایی است و بسیار مناسب است که بررسی عمیقی دربارهٔ روش تراجم‌نگاری ایشان در این دائرة المعارف بزرگ شیعی انجام گیرد. بعضی از مدخل‌های این کتاب گاه از نظر حجم بسیار زیاد می‌باشد به گونه‌ای که خود قابلیت ارائه به صورت یک کتاب مستقل را دارد. چنان‌چه بخشی از جلد اول این کتاب که مشتمل بر تاریخ فرهنگی شیعه و نقش شیعیان در تولید علم در جهان اسلام می‌باشد به صورت کتاب مستقلی به نام *الشیعه و مصیرتهم التاريخی* به چاپ رسیده است. کتاب‌شناسی‌های مختلف، ارائهٔ فوائد جغرافیایی و تعیین نسبت‌های افراد به شهرهای مختلف و فوائد تاریخی راجع به فرمانروایان و حاکمان شیعی و نقدهای گاه مفصل بر کتاب‌های مختلف چاپی، همه و همه از ویژگی‌های این موسوعهٔ بزرگ شیعی است. یکی از امتیازات ویژهٔ این کتاب مستندنگاری در ارائهٔ تراجم افراد می‌باشد به گونه‌ای که به راحتی می‌توان در این کتاب مرز بین کار تحقیقی خود ایشان و آن‌چه از منابع کتبی یا شفاهی گرفته شده را مشاهده کرد. کاری که متأسفانه در بعضی تراجم‌نگاری‌های غیر حرفه‌ای دیده نمی‌شود و گاه مطالب دیگران بدون ذکر منبع و مأخذ نقل می‌گردد و خواننده می‌پندارد که نویسنده،

خود به این اطلاعات دست یافته است. در این کتاب به انبوه اسامی افرادی بر می خوریم که جزء منابع ترجمه نگاری معرفی می شود و اطلاعات دست اول از فرزند یا خانواده شخصیت مورد نظر ارائه می گردد که موجب اتقان مطالب ارائه داده شده می شود. حسن چنین کاری آن است که اگر ایرادی بر مطالب وارد شود بر عهده راوی خواهد بود نه بر عهده مؤلف.

بی تردید برای ارائه چنین دائرة المعارف بزرگ و مهمی نمی توان از یاری دیگران بی بهره بود و چه بسا اگر این همیاری گسترده می شد مجلدات این موسوعه افزون می گردید چنان چه فرزند خلف و شایسته ایشان مرحوم سید حسن امین آستین همت بالا زدند و انبوهی از استدراکات مختلف را به این مجموعه عظیم در ده جلد به نام *مستدرکات اعیان الشیعه* فراهم آورده اند. البته بررسی محاسن و معایب این موسوعه فرصت و مجال واسع و جدایی می طلبد که از موضوع مقاله حاضر خارج است.

یکی از مستندات مرحوم علامه سید محسن امین عاملی در این دائرة المعارف بزرگ شیعی، بهره بری از اطلاعاتی بوده که مرحوم آیت الله العظمی علامه مرعشی نجفی برای ایشان ارسال داشته اند و به حمد الله با پاک دستی و دقتی که مرحوم علامه عاملی داشته اند این میراث گران بها به دست ما رسیده است.

این مستندات سه دسته اند، دسته اول شامل اطلاعاتی است که بعینه صاحب اعیان آن را نقل کرده اند و تنها مصدر ایشان همان گزارش علامه مرعشی می باشد و از این جهت منحصر به فرد است. دسته دوم اطلاعاتی است که به عنوان ضمیمه بعضی از زندگی نامه ها از علامه مرعشی نقل کرده اند و مطالب ایشان یکی از منابع کتاب است اما در این صورت هم باز اطلاعات ارائه شده از علامه مرعشی برجستگی و ویژگی خاصی دارد. دسته سوم شامل نقدها و استدراکاتی است که علامه مرعشی بر کتاب اعیان الشیعه نگاشته اند. بخشی از این نقدها در مقاله «تعلیقات آیت الله العظمی مرعشی نجفی بر اعیان الشیعه» (چاپ قدیم ۵۶ جلدی) توسط فرزند ایشان حجت الاسلام والمسلمین حاج سید محمود مرعشی نجفی زید عزه در مجله میراث شهاب، شماره ۶۳-۶۴، صفحه ۳-۲۲ ارائه گردیده است لکن شامل همه آن نقد و ایرادات نیست بلکه چنان چه گفته شد بخشی از مستندات علامه عاملی است که بعینه از علامه مرعشی نقل کرده اند و جزء منابع کتاب محسوب می شوند و بخشی هم ایراداتی است که بر مطالب اعیان الشیعه وارد کرده اند.

مقاله حاضر شامل دو بخش می باشد:



بخش اول شامل نقدهای علامه مرعشی است که بخشی از آن و نه همه آن در خود کتاب اعیان الشیعه منعکس شده است. و از این جهت این مقاله شامل مطالب جدیدی است. اما بخش دیگر مقاله، نمونه‌هایی از مستندات صاحب اعیان است که به وسیله علامه مرعشی به دست وی رسیده است و متأسفانه در این بخش فحص کافی صورت نگرفته است اما باتورقی که در این کتاب عظیم زده شود معلوم می‌گردد که مستندات بسیاری جا مانده است. همت ما در این مقاله، جمع‌آوری مستنداتی است که در مقاله پیش گفته جا مانده بود. این مجموعه شامل بیش از چهل شرح حال مستند است که در چاپ جدید ده جلدی اعیان الشیعه به آن‌ها اشارت رفته است و اینک این مجموعه ارائه می‌گردد تا ان شاء الله در فرصتی دیگر مجموعه کامل هر دو مقاله در یک جا، جمع‌آوری گردد.



(أعیان الشیعة، ۲/۳۶۷):

۱. الحاج ملا ابوطالب العراقي الكزازي بن الملا عبدالغفور بن الملا شرف علی بن الملا

أحمد الجرفادقاني

توفي سنة ۱۳۲۹ وقبره فی مقبرة يقال لها مقبرة دروازه شهرکرد بسطان آباد.

كتب الينا السيد شهاب الدين الحسيني الفاضل النسابة ما لفظه:

كان من فقهاء عصره ورؤساء بلدة سلطان آباد المشهورة فی بلاد ايران.

تلمذ في النجف علی شيخنا المرتضى ثم بعده حضر ببحث الميرزا السيد محمد حسن

الشيرازي، ثم رجع الى وطنه وصار مرجعاً في الشرعيات.

يروى عن شيخه بطرقها، وعن الحاج ميرزا حبيب الله الرشتي الجيلاني. وعنه جماعة

منهم والدي العلامة النسابة السيد شمس الدين محمود الحسيني المتوفى سنة ۱۳۳۸

وللمترجم تأليف منها شرح كبير علی نجات العباد لصاحب الجواهر في مجلدات ورأيت

المجلد الأول منه ببلدة قم المشرفة يظهر منه وفور تتبعه وتبحره في الفقه. انتهى.

(أعیان الشیعة، ۲/۴۱۷):

۲. الميرزا أبو القاسم بن محمد حسن الجيلاني القمي صاحب القوانين المذكور في ج ۷

(تلاميذه):

سقط من تلاميذه جماعة من مشاهير العلماء منهم:

ملا احمد التراقي صاحب/المستند،
والشيخ محمد حسين القمي صاحب توضيح القوانين المطبوع المعروف والميرزا أبوطالب
ابن أبي المحسن الحسيني،
والميرزا علي رضا الحسيني وهذان الشريفان صاهراه على ابنتيه وذريتهما من أشرف
بلدة قم،
والسيد اسماعيل الحسيني القمي المعروف بالواعظ،
والآقا علي أشرف بن احمد بن المولى عبد النبي الطسوجي الاذربايجاني،
والآقا محمد جعفر حفيد الوحيد البهبهاني المتوفى حدود ١٢٥٧.
أما الذين يروون عنه فعدة كثيرة، منهم -غير ما ذكرتم-:
الميرزا محمد الأخباري المقتول المعروف،
ومنهم المجدي الميرزا محمد يوسف بن عبد الفتاح الطباطبائي الحسيني المتوفى سنة
١٢٤٢ صاحب التاليف الرشيقه،
ومنهم السيد محمد باقر الرشتي المعروف،
ومنهم ملاعباس الكزازي العراقي،
ومنهم الشيخ محمد علي بن الآقا محمد باقر الهزارجيري المازندراني النجفي،
ومنهم جدّي الآخر السيد محمد ابراهيم بن عبد الفتاح الحسيني المرعشي النسابة
صاحب التاليف الرشيقه.
هكذا كتب إينا السيد شهاب الدين.

(أعيان الشيعة، ٢/٤٥٢):

٣. الآقا أبو محمد بن الشيخ حسين المشهدي نزيل المشهد الرضوي توفي سنة ١٢٤٠ ودفن
في الصفة خلف القبر الشريف

كان من علماء المشهد الرضوي زمن السلطان فتحعلي شاه القاجاري في العلوم
الشرعية والرياضية واتفق على عهده كسوف الشمس احترق فيه القرص كله حتى
بدت النجوم فأرخها بقوله: «قد انكسفت الشمس كلها».
تخرج عليه جماعة منهم: البرنس محمد ولي ميرزا الوالي على خراسان أيام ولايته في
الرياضيات وله رسائل في النجوم والتفسير والفقه.
هكذا كتبه إليه شهاب الدين الحسيني التبريزي القمي النسابة.



(أعیان الشیعة، ۲/۴۷۳):

۴. الشیخ أحمد بن الشیخ أبوتراب ابن الشیخ محمد حسن القاضي ابن الشیخ عبدالله بن الشیخ زاهد العارف الجیلانی الاصفهانی

كتب الینا السید شهاب الدین النسابة الحسینی التبریزی نزیل قم:

أنه توفي سنة ۱۳۰۹ في اصفهان ودفن بمقبرة (آب بخشان) وفي التنظيمات الاخيرة ذهبت المقبرة ومنها قبره وقد رأیت قبره وكان علیه لوح من المرمر علیه اسمه ونسبه إلى الشیخ زاهد الجیلانی العارف وشطر من ترجمته.

كان من أجلة علماء اصفهان زاهداً تقياً ورعاً منقطعاً من الخلق ومن جملة ما كان مكتوباً على لوح قبره أنه اخذ عن صاحب الجواهر وله تواليف، منها: ۱. شرح المعالم ۲. شرح الشرائع ۳. شرح فصوص محیی الدین ۴. شرح خلاصة البهائی ۵. شرح تشریح الافلاك للبهائی. يروى عن جماعة، منهم: صاحب الجواهر والشیخ مرتضى الأنصاري.

(أعیان الشیعة، ۳/۱۷۴):

۵. احمدخان معتمد السلطان المعروف بسر تیب المسقطي الأصل البوشهري

قال السید شهاب الدین فيما كتبه الینا:

كان أديباً شاعراً عالماً مؤرخاً انتقل احد اجداده من بندر مسقط إلى بندر بوشهر من بنادر ایران. كان المترجم من اشراف بوشهر وله شعر كثير بالفارسية وله تواليف كثيرة، منها: ۱. شرح ديوان الأمير علاء الدين ۲. كتاب النبراس في تراجم عدة من شعراء العرب العرباء والمخضرمين والاسلاميين.

خلف عدة اولاد ادباء شعراء منهم: محمد علي خان البليغ، الذي يتخلص في شعره "عاري". انتهى.

(أعیان الشیعة، ۳/۱۷۵):

۶. الشیخ احمد النجفي

قال السید شهاب الدین فيما كتبه الینا:

كان من علماء الشيعة الامامية في المئة العاشرة ببلاد دكن، وهو الذي ناظر علماء المذاهب من العامة في مجلس السلطان برهان نظام شاه من الملوك الامامية النظام شاهية بالهند وغلبهم كما نصّ عليه في تاريخ فرشته.



(أعيان الشيعة، ٣/١٢٦ و ٢١٩):

٧. الشيخ احمد البحراني

ذكرنا في ج ٧ أنه وجدت رسالة بخط بعض تلاميذه وهو الحاج عباس المازندراني الآملي. وكتب إلينا السيد شهاب الدين الحسيني:
أن الشيخ احمد هذا هو الاحسائي ابن زين الدين وأن الحاج ملاعباس كان من علماء الشيعة المعروفين ومن تلامذة السيد كاظم الرشتي وكريم خان القاجاري الكرمانى. انتهى.
ولكن الشيخ احمد بن زين الدين يعرف بالاحسائي لا البحريني^١.

(أعيان الشيعة، ٣/١٢٦ و ٢١٩-٢٢٠):

٨. الشيخ جمال الدين ابو الفتوح احمد بن الشيخ أبى عبدالله بلكو بن أبى طالب بن علي الأودي

مذكور في الاصل ج ٧، وكتب إلينا السيد شهاب الدين:
ان ابن بلكو من مشاهير اصحابنا، له شرح لطيف على نهج البلاغة محتو على فوائد شريفة، عندي كراريس منه يظهر وفور علمه ودقة نظره وأدبه الجم وفضله البالغ نبغت في ذراريه جماعة من العلماء يعرفون بأل بلكو. انتهى.

(أعيان الشيعة، ٣/١٧٥):

٩. السيد احمد بن محمود بن علي الحسيني الطباطبائي القمي

توفي سنة ١٣٣٤ ودفن بمقبرة شيخان بقم.

قال السيد شهاب الدين الحسيني النجفي فيما كتبه إلينا:
كان عالماً ربانياً فقيهاً متصلباً في ذات الله مسلّم الورع بين الناس مدرساً متكلماً. وهو اخو السيد حسين القمي الثقة الفقيه المشهور نزيل كربلاء المشرفة لأبيه وأمه.

(أعيان الشيعة، ٣/٢١٩):

١٠. السيد أحمد بن ابراهيم الموسوي الدزفولي الحائري

عالم جامع من تلامذة الفاضل الاردكاني والشيخ زين العابدين المازندراني. له

١. اين جمله اخير تعليقه صاحب اعيان الشيعة بر مطلب علامه مرعشى است.

توالیف، منها: رسالة قسطاس الأوزان في تعيين موازين البلدان طبعت سنة ١٣٠٨
وحاشية على متاجر الشيخ مرتضى الأنصاري.
كتب إيناً ذلك السيد شهاب الدين الحسيني.

(أعيان الشيعة، ٣/٤٩٩):

١١. العلوية الأمينة بنت السيد محمد علي بن السيد حسن بن المير محمد بن المير معصوم بن
المير سيد محمد بن المير معصوم الحسيني الاصفهاني
يروى عنها جماعة منهم السيد شهاب الدين النجفي الحسيني النسابة المرعشي وهي تروي
عنه ايضاً وقال عنها السيد شهاب الدين المذكور:

وأمر هذه الشريفة مما يقضى منه العجب في هذا العصر مصدقة في حصول الاجتهاد
لها عن جمّ كشيخنا الشيخ عبد الكريم الحائري وغيره فهي فريدة العصور ونادرة
الدهور الحجة على نساء العصر والآية لبارى الدهر وزوجها السيد حاج معين التجار
من تجار اصفهان والغريب من أمرها أنها مع قيامها بأمر الزوجية وادارة المنزل وتربية
الأطفال نالت هذه المراتب السامية العالية فلهذا درّها وعليه أجرها.
كما وصفها ايضاً بقوله:

العالمة المجتهدة الصالحة الأدبية المترضة السالكة العارفة.

(أعيان الشيعة، ٣/٤٣٢):

١٢. السيد اسماعيل المرندي

توفي سنة ١٣١٧ في تبريز ونقل الى النجف فدفن بوادي السلام قرب مقام المهدي.
(المرندي) نسبة الى مرند بفتح الميم والراء وسكون النون بعدها دال من بلاد اذربايجان.
كتب الينا ترجمته السيد الفاضل النسابة شهاب الدين الحسيني النجفي نزيل قم قال:
كان من أجلة علماء تبريز فقيهاً أصولياً مفسراً ورعاً زاهداً عابداً منقطعاً عن الخلق
مشتغلاً بنفسه عن غيره. تخرج على جماعة من الاعلام كالشيخ مرتضى الأنصاري
والفاضلين الإيرواني والشرابياني وغيرهم. له تواليف شريفة منها:
شرح على رسائل استاذه الشيخ مرتضى في مجلدات رأيتُه بخطه، وحاشية على كتاب
الطهارة، وعلى المكاسب، كلاهما للشيخ مرتضى، والموازين، حاشية على القوانين،
وتفسير فارسي وغيرهما.



يروى عن جماعة منهم: المولى لطف الله المازندراني والحاج ملاعلى الخليل الطهراني النجفي والشيخ نوح النجفي والسيد مهدي القزويني الحلبي وغيرهم. ويروي عنه والذي العلامة السيد محمود المرعشي التبريزي وعمي السيد جعفر وغيرهما. انتهى.

(أعيان الشيعة: ٥٣٠/٣):

١٣. ميرزا باقر الايرواني النجفي

توفي ١٤ جمادى الأولى سنة ١٣٣٩ ودفن بوادي السلام.

عالم فاضل مدرس من تلاميذ الشيخ حسن المامقاني ومن مشايخ السيد شهاب الدين الحسيني النجفي النسابة نزيل قم قال عنه: "أنه كان له إمام بالجفر".

(أعيان الشيعة: ٦١٠/٣)

١٤. بنوزبارة

قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي النجفي نزيل قم فيما كتبه إلينا:

بنوزبارة يطلق على بيوت من الشرفاء منهم أستران بنواحي نيسابور. (احدهما) من ذرية الحسن المكفوف الافطسي. و(الآخرى) ينتهى نسبها الى الامام الحسن المجتبي عليه السلام وكثيراً ما يطلق على الثانية سادات بيضة بالموحدة فالثناة التحتية فالزاي فالهاء ومن مشاهيرهم السيد محمد بن الحسن الحسيني صاحب الشرح الفارسي على الشرائع. ومن يطلق عليه بنوزبارة اسرة من شرفاء اليمن حسيون. منهم: الشريف الجليل السيد محمد بن زبارة صاحب كتاب نيل الوطرف في بلاد اليمن في القرن الثالث عشر من أهل هذا العصر حي يرزق. انتهى.

(أعيان الشيعة: ٦٢٥/٤):

١٥. الشيخ أبو محمد الحسن الآذري

من اهل المائة الثامنة أو التاسعة. و(الآذري) نسبة إلى آذربيجان في لغة من عده.

كان عالماً نسابة وكتب الينا ترجمته السيد شهاب الدين التبريزي النسابة نزيل قم ووصفه بالشيخ وقال:

إنه من الإمامية له كتاب في مشجرة.



(أعیان الشیعة: ٤/١٨٧):

١٦. السيد جعفر بن معصوم الحسيني الاشكوري أخو السيد أبي القاسم الاشكوري
قال السيد شهاب الدين فيما كتبه إلینا:

كان من نوابغ عصره في الفقه والكلام وله تأليف رشيقة، تلمذ لدى الميرزا حبيب الله
الرشتي الجيلاني وغيره ويروي عنه، ويروي عن السيد جعفر المترجم، جماعة، منهم:
والدي السيد شمس الدين محمود الحسيني المرعشي النسابة المتوفى سنة ١٣٣٨.

(أعیان الشیعة: ٤/٢٤٩):

١٧. السيد ميرزا جهانگیرخان بن محب علي الحسيني المرندي الملقب ناظم الملك ولقبه
في الشعر "ضیائی"
توفي بقم اول رجب ١٣٥٢.

من فضلاء وشعراء الفرس، له ترجمة خطب أمير المؤمنين عليه السلام التي أوردها الشريف
الرضي في نهج البلاغة إلى الفارسية، وله تفسير سورة العصر بالفارسية وله نظم عهد
امير المؤمنين عليه السلام الى مالك الأشتر ووصيته إلى ولده الحسن، بالفارسية، مطبوع.
ذكر ذلك المعاصر في مؤلفات الشيعة نقلاً عن السيد شهاب الدين التبريزي المعاصر نزيل قم.

(أعیان الشیعة: ٥/٤٨٩):

١٨. السيد حسين الحسيني الحائري

كتب لنا ترجمته السيد شهاب الدين النسابة التبريزي فقال:

كان عالماً نبياً سافر إلى الهند سنة ١٢٢٣ ونزل بلدة عظيم آباد وهو من تلامذة
الميرزا مهدي الشهرستاني وصهره علي بنته وينتهي نسبه إلى زيد الشهيد وذكرته في
كتابي المشجر. اهـ.

(أعیان الشیعة: ٦/٢٣):

١٩. السيد حسين رهنما الشهيد بن السيد شمس الدين دانيال الموسوي الصفوي
الكشميري

قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزل قم فيما كتبه إلینا ما صورته:
كان من أعیان عصره في العلم والورع والتقوى والفضل قتل ظلماً بكشمير وقبره بقريه



يقال لها (تولوزو) اى محل الزناير، مزور معروف وله آثار خيرية من المساجد والحسينيات وتواليف في الفقه والإمامة والعرفان، وبسببه استبصر جماعة من اهل كشمير وعقبه كثيرون منتشرون ببلاد كشمير وتبت ويتصل نسبهم مع نسب الصفوية وذكرت نسبهم مفصلاً في كتابي المشجر. اهـ.

(أعيان الشيعة: ٩١/٦):

٢٠. الميرزا السيد حسين العلوي السبزواري

توفي في ٥ ذي القعدة سنة ١٣٥٢.

قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي النسابة فيما كتبه الينا:

هو المعروف بالميرزا حسين الكبير تميزاً له عن سميه الميرزا حسين السبزواري الصغير، كان من مشاهير تلاميذ الميرزا السيد محمد حسن الشيرازي في المنقول والملاهادي السبزواري المتأله الحكيم في المعقول.

له تواليف كثيرة، اكثرها في الفقه والكلام. يروي عنه جماعة منهم العبد شهاب الدين الحسيني النجفي النسابة ويروي هو عن جماعة، منهم: أستاذه الشيرازي المذكور انتهى...

(أعيان الشيعة: ١٦٥/٦-١٦٦):

٢١. السيد أبوظالب علاء الدين حسين بن الميرزا رفيع الدين الحسيني المرعشي الآملي

الأصل محمد بن الأمير شجاع الدين محمود الاصفهاني المنشأ المعروف بخليفه سلطان

محشي المعالم واللمعة...

صفته:

قال السيد شهاب الدين التبريزي فيما كتبه الينا:

رأيت في نسخة أنه كان خفيف اللحية معتدل القامة يلبس العمامة الخضراء والبرود

اليمانية والمنسوجات الكشميرية...

تدرسه:

قال السيد شهاب الدين المذكور:

كان من أشهر مدرسي عصره يحضر درسه نحو الالفين ويصعد المنبر ويلقي الدرس بل

قليل انه لم ينصب في عصر الصفوية منبر لمدرس كما نصب له...



اسفاره:

قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي فيما كتبه الينا:

سافر الى مصر واجتمع بعلماء القاهرة وغيرها وافاد واستفاد. ودخل اليمن على امامها الزيدي. وسافر مرتين الى القسطنطينية للسفارة بين الدولتين وله مناظرات مع أبي السعود المفتي صاحب التفسير المعروف وقد جمع تلك المناظرات سؤالاً وجواباً ولد النواب السيد على في كتاب.

جملة من أعماله الخيرية وآثاره الجميلة:

... وقال السيد شهاب الدين المار ذكره:

ان البيوت المنسوبة اليه ومساكن ذريته باقية الى الآن. وكانت للبيوت المتعلقة به طرق من سراديبها لاستطراق النساء كيلا يخرجن الى الازقة ومن آثاره اقامة صلاة الجمعة باصبهان وغيرها وحج البيت مراراً وفي بعضها راجلاً وعمر مشهد أمة البقيع في سفره الى الحج وبنى المدارس باصبهان وهو اول من بنى المستشفيات في الدولة الصفوية ومن آثاره أنه رتب اوقافاً للمشاهد الشريفة وعين لها دفاتر ومناصب لخدمتها باقية الى الآن ومن آثاره مباشرة القباب على قبور أئمة اهل البيت عليهم السلام.

... وقال السيد شهاب الدين التبريزي فيما كتبه الينا:

من اسلافه الملوك المرعشية ببلاد طبرستان وله العقب الكثير ببلاد ايران واصفهان وطهران وتبريز وقم وكربلاء من بلاد العراق. انتهى...

تلاميذه:

١. الآقاسين الخوانساري صاحب مشارق الشموس ٢. المولى خليل القزويني وهو أيضاً شريكه في الدرس عند البهائي كما مر ٣. الميرزا عيسى والد صاحب الرياض ٤. المير عبد الرزاق الكاشاني ٥. المولى ابوالخير محمد التقى الفارسي صاحب رسالة معرفة التفويم ويروي عنه اجازة ٦. المجلسي صاحب البحار (٧ و ٨ و ٩ و ١٠) أولاد المترجم الأربعة المار ذكرهم.

هكذا كتبه الينا السيد شهاب الدين التبريزي والعهد عليه.

(أعيان الشيعة: ٦/٣٥٧):

٢٢. السيد خليل الله بن عبد الله الحسيني المرعشي

توفي في المائة الثاني عشر ودفن بمشهد احمد بن الامام كاظم عليه السلام.
كتب لنا ترجمته السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزيل قم، فقال:
كان من علماء عصر السلطان كريم خان الزندي ووزرائها، فقيه اديب له شرح لطيف
على نهج البلاغة وديوان شعر. انتهى.

(أعيان الشيعة: ٣٦٥/٦):

٢٣. السيد شمس الدين دانيال الموسوي الصفوي الشهيد بن السيد شمس الدين محمد
العراقي المعروف بمكسر الأصنام

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه الينا:

كان شمس الدين هذا من نوابغ عصره في العلم والعرفان تتلمذ لدى والده
شمس الدين العراقي. قتل ظلماً ودفن بقرية يقال لها (دب) من قرى كشمير وخلف
السيد حسين رهنما المتقدمة ترجمته. انتهى.

(أعيان الشيعة: ٥١/٥):

٢٤. السيد حسن النواب بن السيد حسين سلطان العلماء الحسيني المرعشي

أبوه هو صاحب حاشية المعالم المشهور المعروف بسطان العلماء وبخليفة سلطان.

والمترجم كان عالماً فاضلاً فقيهاً محدثاً متكلماً من تلامذة والده المذكور تزوج بنت الشاه
سليمان الصفوي أخت الشاه السلطان حسين واسمها السيدة زبيده بيگم وأم
السيد حسن هذا بنت الشاه عباس الكبير الأول ويعرف أولاده بالسادات السيانية لأنه
وقف على ذريته مزارع في خارج اصفهان تسمى سيان وجعل المتولى لها ابنة الميرزا
محمد باقر الصدر وخلف السيد حسن عشرة أولاد السيد حسين والسيد عبدالرحيم
والسيد محمد صادق والسيد محمد باقر والسيد محمد مهدي والسيد محمد نصير والسيد
محمد كاظم والميرزا هادي والميرزا أبو تراب والنواب الميرزا محمد باقر الصدر الأول.

كتب لنا ترجمته هذه السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزيل قم.

(أعيان الشيعة: ٧٣/٥):

٢٥. السيد حسن الزنوزي

نسبة الى زنوز من آذربايجان كان عالماً فاضلاً محدثاً نسبة له تأليف شريفة في التاريخ



والتراجم والرجال ومن آثاره كتاب رياض الجنة في مجلدات وهو من الكتب الوحيدة في التاريخ والجغرافيا ونسخه مخطوطة معدودة، منها نسخة في مكتبة الوزارة الخارجية بطهران ومنها نسخة ببلدة خوى من بلاد آذربايجان وكان هذا السيد من تلاميذ العلامة الملا عبد النبي الطسوجي المعروف الذي يروي عن المولى المجلسي بواسطة واحدة وهو المولى رفيع الجيلاني نزيل المشهد الرضوي.

هكذا كتب الينا السيد شهاب الدين المعروف بأقانجفي التبريزي نزيل قم.

(أعيان الشيعة: ٥/٤٢٥):

٢٦. الميرزا حسين بن الميرزا احمد بن الميرزا عبد الرحيم القاضي الطباطبائي التبريزي توفي سنة ١٣٠٠.

أرسل الينا ترجمته السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزيل قم ووصفه بالعلامة الزاهد الناسك العابد [المتجهد] المتجهد المنزوي وقال:

له تأليف شريفة منها تفسير سورة الفاتحة وتفسير سورة الانعام لم يتم ورسالة في السير والسلوك وفي غيرهما. يروي عنه جماعة، منهم والدي العلامة السيد شمس الدين محمود النسابة المتوفى سنة ١٣٣٨. خلف ولدين صالحين ورعين الميرزا علي القاضي نزيل النجف الاشرف والميرزا أحمد نزيل تبريز.

(أعيان الشيعة: ٦/٤٧٠):

٢٧. السيد ميرزا رحيم بن الميرزا تقي التبريزي

قال السيد شهاب الدين التبريزي فيما كتبه الينا:

كان من أعيان تلاميذ الشيخ جعفر صاحب كشف الغطاء. قاضياً ببلدة تبريز. ذكره صاحب المرأة في عداد معاصريه وأثنى عليه ونسبه في كتابي المشجر اهـ^١.

(أعيان الشيعة: ٧/١٥):

٢٨. السيد رضا اللاريجاني الاصفهاني نزيل طهران

توفي سنة ١٢٧٠

قال السيد شهاب الدين التبريزي فيما كتبه الينا:
كان حكيماً متكلماً من تلاميذ المولى علي النوري وكان من مدرسي اصفهان ثم انتقل
الى طهران وسكن بها الى ان توفي وخلف السيد محمد شمس الادباء الشاعر المعروف.
(أعيان الشيعة: ٧/٢٧-٢٨):

٢٩. السيد رضا بن مهدي بن صادق الحسيني الخوئي ينتهي نسبه الى محمد المصري
الحجازي الذي انتقل الى بلاد آذربيجان من ذرية زيد الشهيد...
قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي فيما كتبه الينا:
كان عالماً فقيهاً متكلماً من أجلاء تلاميذ ملا محمد الايرواني والشيخ محمد حسين
الكاظمي والسيد حسين الكوه كمرى المعروف بالسيد حسين الترك والميرزا الشيرازي
قبل انتقاله الى سامراء بل ادرك، له المام بالنيرنجيات، رأس في تبريز ودرس وأفتى
وحكم وكان يؤم في مسجد الصادقية بتبريز ولما توفي قام مقامه ابن أخيه
السيد حسين الخوئي.

مؤلفاته:

قال السيد شهاب الدين:

- أكثرها عندي بخط يده وهو عم والدتي وهي:
١. شرح على حاشية تهذيب المنطق لملا عبد الله اليزدي،
 ٢. منظومة في المنطق،
 ٣. حاشية على فصول الأصول،
 ٤. حاشية على الرسائل،
- (أقول) الفصول والرسائل تحتاجان الى اختصار لا إلى حاشية.
٥. حاشية على شرح التجريد للقوشجي،
 ٦. حاشية على حاشية المير عبدالحمي على شرح الشمسية،
 ٧. كشف الاستار عن غوامض الاسرار في اربعة مجلدات،
- وهو شرح على حاشية الملا عبد الله في المنطق غير الشرح السابق فرغ منه سنة ١٢٧٥،
٨. رسالة في شبهة الجذر الأصم، تعرض فيها للكلام الآقاحسين الخوانساري في هذه
المسألة وما له وما عليه.

(أعیان الشیعة: ۲۸/۷):

۳۰. السيد رضي الدين بن باقر بن أبي الحسن بن المسيب الحسيني المحلاتي ينتمي نسبه الى أبي الحسين يحيى النسابة العقبى امير المدينة المشرفة صاحب كتاب أخبار الزينبيات^۱ جد أكثر الأعرجيين.

قال السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزيل قم فيما كتبه الينا: كان رضي الدين هذا من أعيان تلامذة الوحيد البهبائي، له كتاب في الفقه وصل فيه الى الحج توفي بمحلات ونقل نعشه الى كربلاء المشرفة ودفن بباب قاضي الحاجات من أبواب الصحن الشريف الحسيني وعقبه كثير ببلدة محلات و فراهان ورهق وغيرها. ومن مشاهير ذريته السيد صدر الاشراف وزير العدلية سابقاً بايران وذكرت مشجرته في كتابي المشجر. اهـ.

(أعیان الشیعة: ۳۵/۷):

۳۱. السيد ركن الدين ابن اشرف الدين الحسيني المرعشي الآملي كان حياً سنة ۸۶۰.

كتب لنا ترجمته السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي نزيل قم فقال: كان من أفاضل العلماء ذا مهارة تامة في الفقه والحديث والنجوم، له تأليف، منها:
۱. الزيج الجامع السعدي في تنقيح كتاب الزيج الايلخاني للمحقق الطوسي وقد ألف صاحب الترجمة كتابه على اصول الرصد السلطاني وألف هذا الزيج باسم أبي سعيد الكوركاني سنة ۸۶۰.
۲. بنجاه باب سلطاني في كليات الأعمال النجومية ومعرفة الاسطرلاب يظهر من كتاب الزيج المتقدم ان له هذا الكتاب وكذا يظهر منه انه سافر الى الهند ونال من الملك أبي القاسم بابر التيموري عنايات كثيرة.
۳. كتاب في تراجم العلماء المرعشيين من أسرته. انتهى.

(أعیان الشیعة: ۴۳۲/۷):

۳۲. السيد ميرزا عبد الباقي الموسوي الشيرازي

۱. در اعیان الشیعه اخبار الزینات آمده که اشتباه چاپی است (رجوع شود به الذریعة، ۱/۳۳۲).

توفي أواخر شعبان سنة ١٣٥٤.

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه الينا:

هو حفيد الميرزا محمد باقر المعروف بملاباشي شارح الصحيفة الكاملة وصاحب انوار القلوب وغيرها. كان السيد عبد الباقي من مشاهير علماء شيراز فقهياً وحديثاً وأدباً وتاريخاً. أروي عنه بالإجازة وهو عن جماعة، منهم: الشيخ ميرزا حسين النوري.

له رسائل في الفقه وشرح الأحاديث المشكلة.

(أعيان الشيعة: ٧/٤٥٢):

٣٣. السيد عبد الحسين بن السيد محمد باقر الحسيني الخاتون آبادي...

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه الينا:

هو العلامة الرحالة المؤرخ الراوية الثقة الثبت الأديب المحدث. له كتب شريفة، أشهرها كتاب وقائع السنين شرع فيه من زمن هبوط آدم عليه السلام الى سنة ١٠٩٧ وذكر في كل سنة ما وقع فيها من الحوادث على نهاية الاختصار مع الاشارة الى المصادر.

ثم ان ابنه المير محمد حسين كتب الوقائع بعد سنة ١٠٩٧ الى عصره والأصل والتنزيل كلاهما عند السيد شهاب الدين الحسيني النجفي النسابة نزيل قم الذي أرسل الينا هذه الترجمة وكذا نسب المترجم في كتابه المشجر زار مشهد الرضا عليه السلام سنة ١٠٨٢ وحج ودخل اليمن زمن امامها المتوكل على الله اسماعيل بن قاسم الحسيني الزيدي. يروي عن جماعة، منهم: المولى محمد باقر السبزواري صاحب الكفاية والسيد دوست محمد الحسيني نزيل مكة الشهيد بها والمجلسي الأول والملا ميرزا الشيرواني والميرزا رفيعا النائيني وغيرهم.

ومن تأليفه: كتاب العقيلة وهو شرح الشاطبية في التجويد بالفارسية، كتبه باسم بعض امراء الصفوية. خلف أولاده المير محمد جعفر والمير محمد صادق والمير محمد حسين. انتهى

(أعيان الشيعة: ٨/٣١):

٣٤. السيد عبد الفتاح بن العلاء الميرزا ضياء الدين محمد النواب الحسيني المرعشي

الخليفة سلطاني

كان عالماً زاهداً ورعاً محدثاً متكلماً صاحب كرامات قرأ لده والده وغيره من أعلام

اصفهان وخرج بعد دخول الأفغانة إلى الأذربايجان ونزل بلدة تبريز وصار من وجوه أشرافها وعلماءها وبها تزوج وأسس بيتاً من السادة المرعشية ذوو جلاله ونباهة فاضل كثيراً في مدافعة الروس عن بلاده زمن السلطان فتح علي شاه قاجار وأورده في تاريخ ثريا في أعيان تبريز وقال: إني فزتُ بزيارته والتبرك بأنفاسه المقدسة وله من الآثان:

حاشية على شرح اللمعة وعلى تفسير البيضاوي وعلى الكتب الأربعة وكتاب كبير في النسب ورسالة في الإمامة في جواب من سأله عنها ورسالة في ترجمة أسرته الفاطمية^١.

(أعيان الشيعة: ٦٩/٨):

٣٥. السيد عبدالله بن محفوظ العلوي الصادقي النسب

علامة النسب في المائة العاشرة نابغة زمانه في هذا الفن جماع شجرات العلويين الرحالة السائح في بلاد الشرق والغرب له تأليف كثيرة، منها تذييل عمدة الطالب

١. گرچه صاحب اعیان در اینجا اشاره ای به این که این ترجمه را از علامه مرعشی اخذ نموده، نکرده است لکن این عبارت بعینه در کشف الإرتیاب علامه مرعشی که در مقدمه کتاب لباب الأنساب، ج ١، ص ١٢٤ به چاپ رسیده، موجود است و خود علامه مرعشی در آخر ترجمه فرموده اند که صاحب اعیان این ترجمه را ذکر کرده است و سیاق عبارات هم با انشاء علامه مرعشی تناسب دارد و نقل از کتاب تاریخ ثریا هم مؤید آن است که عبارت از علامه مرعشی است.

البته علامه مرعشی این سید بزرگوار را این گونه معرفی نموده است: «السید عبدالفتاح بن ضیاء الدین محمد بن صادق بن علی بن الحسین خلیفه سلطان المرعشی الحسینی...»

آن چه موجب تعجب است آن است که مرحوم آقابزرگ تهرانی صاحب ذریعه در این کتاب شریف یازده کتاب به این سید بزرگوار نسبت می دهد در حالی که مستند به گزارش مرحوم علامه مرعشی می باشد اما اثری از نام این کتاب ها در کشف الإرتیاب ایشان جز حاشیه مجدی یافت نمی شود با این که کتاب کشف الإرتیاب بعد از الذریعه در سال ١٤١٠ ق به اتمام رسیده است.

اما کتاب های معرفی شده در الذریعه: ١. التبر المذاب (الذریعه ٣/٣١٢) ٢. تذیل تذکره الشعراء المعاصرين (الذریعه ٤/٥٤) ٣. جهان نما (الذریعه ٥/٣٠٠) ٤. جوشن داود (الذریعه ٥/٢٨٦) ٥. الحسیه (الذریعه ٧/١٣) ٦. خلد برین (الذریعه ٧/٢٤٠) ٧. خلوت خانه (الذریعه ٧/٢٥٢) ٨. راز دلگشا (الذریعه ١٠/٥٨) ٩. دیوان (الذریعه ٩/١١٦٩) ١٠. الإبانة عن حکم الرهانة (الذریعه ٢٦/٢١) و درباره همین کتاب اخیر به نقل از علامه مرعشی نقل می کند که نسخه ای از آن در کتابخانه علامه مرعشی موجود است که ما اثری از آن در فهرست های موجود نیافتیم.

والتعليقة عليها ورسالة عمدة الطالبين في تشجير نسب العلامة السيد محمد الميرخ وقد فرغ من تأليفه سنة ٩٧٣. ومن تأليفه تذييل أنساب المجدي وأنهيت نسبه الشريف من طرف الأب الى الحسن صنوجه بن محمد بن اسماعيل بن الامام الصادق والظاهر انه أدرك صاحب العمدة ويروي عنه. ويروي عن ابن محفوظ جماعة من علماء النسب، منهم: ضياء الدين الطبرسي ومنهم: النسابة المختاري والد المير محمد قاسم النسابة المشهور وغيرهما وفي مجموعة مخطوطة ان قبر ابن محفوظ بشيراز في حرم شاه چراغ بجانب قبر الشيخ عبد الله بن صالح البحراني. قاله السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي النسابة نزيل قم.

(أعيان الشيعة: ٥٠/٨):

٣٦. السيد عبد الله النسابة بن علي بن محفوظ الحسيني الصادقي المعروف بابن محفوظ النسابة

توفي سنة ١٠٠٠ تقريباً

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه الينا:

كان نابغة زمن الصفوية في الفقه والأدب والنسب، جليل القدر عظيم المنزلة، له حواش على عمدة الطالب، فرغ منها في ١٢ رجب سنة ٩٧٣ ورسالة في نسب ولاية الحويزة ورسالة في نسب آل طباطبا ورسالة في ذرية الشهيد ورسالة في نسب المرعشيين والحاشية على الفقيه التهذيب وينتهي نسبه الى محمد الديباج ابن الامام الصادق عليه السلام وذكرت نسبه في كتابي المشجر انتهى.

(أعيان الشيعة: ٦٥/٨):

٣٧. السيد عبد الله بن المير غلام علي الحسيني الطالقاني

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه الينا:

هو المحدث الفقيه الزاهد. له حاشية مبسطة على تهذيب الشيخ. فرغ منها سنة ١٠٨٥،

يظهر منها وفور تتبعه واعتدال سليقته في فهم الحديث وفقهه.

ذكر نسبه في كتاب المشجرات السيد شهاب الدين المذكور

(أعيان الشيعة: ٩/٨):

٣٨. السيد غلام حسين خان بن السيد هداية علي خان نصيرالدولة ابن عليم الله بن



فیض الله الطباطبائي

قال السيد شهاب الدين فيما كتبه:

هو المؤرخ الفاضل صاحب كتاب سيرة المتأخرين في تاريخ الهند ذكر صاحب مرآة
الأحوال وأثنى عليه.

(أعيان الشيعة: ٨/١٢٦-١٢٧):

٣٩. الشيخ عبدالنبي الشيرازي الامامي

توفي ١٠ ربيع الاول ١٣٥٤ بشيراز

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه إلينا:

هو المحافظ الضابط المجود المؤرخ القاري المحدث. وابوه امام جمعة شيراز واخو امامها وعم
امامها. كان من أعيان الفضل ادبياً حافظاً للقرآن الشريف قارئاً بتمام القراءات العشر
على اختلاف رواياتها شيخ القراء بايران.

ادركته وقد جاوز التسعين. وله تواليف ورسائل في التجويد والتاريخ والحديث. أروي
عنه القراءات المشهورة لاسيما قراءة عاصم بالسند المتصل. انتهى.

(أعيان الشيعة: ؟):

٤٠. المولى علم الهدى بن الداعي بن ملك اردشير بن عبداللطيف بن الشيخ صاحب

المعالم العاملي الأصل الكاشاني المسكن

كان فقيهاً رياضياً محدثاً مفسراً. له كتاب في الفقه عندي مجلدات العبادات منه وفي
آخرها: قد وقع الفراغ منه في العام السابع من المائة الثانية من الألف الثاني. يظهر منه
وفور تتبعه وقوة فكره ونظره.

«شهاب الدين الحسيني»

(أعيان الشيعة: ٨/١٧٦):

٤١. السيد علي أكبر الغالي^١ الشيرازي الموسوي

توفي سنة ١٣١٩ بشيراز

١. دراصل «الغالي» أمده كه اشتباه چاپی است.

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه إلينا:

كان عالماً جليلاً ذا رياسة وجمالة بشيراز. سفره السلطان ناصرالدين شاه القاجاري إلى طهران في السنة التي سفر بها عدة من علماء ايران الى طهران وذريته بيت علم وجمالة ومن مشاهير أحفاده العالم الفاضل السيد حسام الدين الفالي وهو الآن بمشهد الرضا عليه السلام. انتهى.

(أعيان الشيعة: ١٢٥/٩):

٤٢. السيد محمد الأكبر آبادي الهندي

له كتاب تنزيه القرآن وكتاب في الرد على البادري المشهور وعماد الدين في الذي كفر بعد اسلامه.

كذا ذكره السيد شمس الدين محمود الحسيني التبريزي فيما كتبه إلينا ولده آقأنجفي.

(أعيان الشيعة: ١٣٧/٩):

٤٣. السيد محمد أمين الحسيني العاشوري

توفي بعد ١٠٧٧.

قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه إلينا:

هو العالم المؤرخ الشاعر، كان من علماء الدولة الصفوية وكتّابها والمختصين بملوكها واستاذاً ومربياً لأبناء ملوكها.

وله تواليف، وله ذرية بقم.

(أعيان الشيعة: ١٨٠/٩):

٤٤. السيد محمد باقر العراقي نزيل بلدة سلطان آباد

توفي سنة ١٣٠٨.

قال السيد شهاب الدين الحسيني النجفي فيما كتبه إلينا:

كان عالماً فاضلاً مجتهداً نافذ الحكم مقيماً للحدود الشرعية وله شرح كبير على الشرايع. حج وزار سنة ١٢٩٠ وذكرت نسبه في كتابي المشجر.

(أعيان الشيعة: ٢٩/٧):



۴۵. رضی الدین بن محمد الحسینی الشیرازی

توفي سنة ۱۱۱۲ باصفهان وقبره في تکیة السيد رضی المعروفة بتخت فولاذ.

كان من المدرسين والمحدثين باصفهان وكان مفسراً، له تفسير كبير.

كذا كتبه الينا السيد شهاب الدين التبريزي القمي.

(أعيان الشيعة: ۷/۳۶۶):

۴۶. الميرزا صادق بن الميرزا محمد بن المولى محمود بن المولى محمد على القزاجه داغي

ولد في تبريز سنة ۱۲۶۹ وتوفي في قم ۷ ذي القعدة ليلة الجمعة سنة ۱۳۵۱ من ۸۲ سنة.

أرسل إلينا ترجمته الفاضل الميرزا الحاج ملا عباس قلى الواعظ التبريزي الجراندايي وأضفنا

إليه ما أرسله إلينا السيد شهاب الدين الحسيني التبريزي القمي النسابة...

قال السيد شهاب الدين:

كان علامة محققاً مدققاً فقيهاً أصولياً متكلماً. اهـ.

(أعيان الشيعة: ۷/۱۶-۱۹):

۴۷. الشيخ ابوالمجد الآقارضا بن الشيخ محمد حسين ابن الشيخ محمدباقر ابن الشيخ

محمدتقي صاحب حاشية المعالم الاصفهاني النجفي...

فيما كتب الينا السيد شهاب الدين المقدم ذكره ما صورته:

هذا الرجل من نوابغ العصر وأغاليط الزمان فقهياً وأصولاً وأدباً وشعراً وحديثاً ورياضياً

وهو من يصرّ من أبناء العصر على ترجيح قراءة ملك على مالك في سورة الفاتحة...

تلاميذه:

قال السيد شهاب الدين المقدم ذكره:

يروى عن جماعة، منهم: العبد شهاب الدين النجفي وقرأت عليه شطراً من أصول الفقه.

مؤلفاته:

۱. نقض فلسفة داروين في مجلدين مطبوع قال السيد شهاب الدين التبريزي نزيل قم فيما

كتبه إلينا وهو من أحسن ما كتب في الرد على كلمات الماديين...

۶. الروضة الغناء في مسألة الغناء قال السيد شهاب الدين المقدم ذكره وهي من أنفس ما

رأيت في هذا الباب...

شعره:

... فقال السيد شهاب الدين التبريزي فيما كتب به إلينا:

ألا ياريم رفقا بصب هام فيكا سقيم وداؤه غدم في رشف فيكا
ألا يابدر سناويا يوسف حسناً فلوباعك اهلوك بنفسى اشترىكا
وله بروايته أيضاً:

تركت نظم القوافي في اليوم عن ملل وقد ولعت كماتدري بهازمناً
فلمست أنظم لا مدحاً ولا غزلاً اذ لم يجد محسناً طرفى ولا حسناً

(أعيان الشيعة: ٢٦/١٠):

٤٨. السيد الميرزا محمد علي بن السيد محمد بن السيد عبد الحميد بن السيد محمد السيد
محمد شريف بن السيد هداية الله بن النواب السيد علي بن السيد حسين سلطان العلماء
وخليفة سلطان الحسيني المرعشي...

قال السيد شهاب الدين النجفي الحسيني فيما كتبه إلينا:

كان فقيهاً جليلاً زاهداً عابداً منعزل عن الناس مشتغلاً بنفسه. ذكره المولى عبد الكريم
الجزبي في كتاب تذكرة القبور وأثنى عليه.

(أعيان الشيعة: ٤١/١٠):

٤٩. زين الدين محمد بن القاسم المعروف بالبرزهي...

كتب السيد شهاب التبريزي نزيل قم على هامش الرياض:

رأيت له كتاباً بخطه ولم يسم وفي المسالك في ميراث الاجداد الثمانية نقل قولين
وبعد ذكر القول الأول قال ما لفظه والثاني للشيخ زين الدين محمد بن القاسم البرزهي.

(أعيان الشيعة: ١٨٠/٩):

٥٠. السيد محمد باقر بن زين العابدين دستغيب الحسيني الشيرازي

قال السيد شهاب الدين النجفي الحسيني فيما كتبه إلينا:

هو من أعيان الأسرة المعروفين بدستغيب ببلدة شيراز. وله شرح على ارشاد العلامة
وشرح على ارشاد المفيد. فرغ منه في شهر جمادي الأولى سنة ١٠٩٢.

(أعيان الشيعة: ٤٠/١٠):



۵۱. السيد مير محمد قاسم الحسيني المختاري السبزواري النسابة...
وقال السيد شهاب الدين الحسيني النجفي نزيل قم فيما كتبه إلينا:
هو من أجلة بني المختار صاحب التأليف النسيية والموظف من قبل الصفوية لجمع
أنساب العلويين وضبطها. انتهى.

(أعيان الشيعة: ۱۰/۱۱۷):

۵۲. السيد مير مرتضى الشريفى الشيرازي حفيد السيد شريف الجرجاني توفي سنة ۹۷۴
في الهند ونقل نعشه الى مشهد الرضا عليه السلام.
قال السيد شهاب الدين الحسيني فيما كتبه إلينا:
كان نابغة عصره في العلم والأدب. نصّ على تشييعه صاحب تذكرة علماء الهند في
التذكرة وهي مطبوعة تسمى^۱ «تحفة الفضلاء» فقال في صفحة ۲۲۳: أنه خرج من
شيراز إلى مكة وجعل يحضر درس ابن حجر المكي حتى اجيز منه، ثم انتقل إلى الهند
واتصل بالسلطان اكبر شاه، وتقدم على من كان عنده من العلماء إلى أن توفي في
التاريخ المذكور.

